

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۴۳ - یکشنبه ۳/۱۰/۹۱

اشکال محقق عراقی بر فرمایش آخوند رحمته الله علیه

اما محقق عراقی بر استاد خود مرحوم آخوند این اشکال را وارد کرده است که: از آنجا که آخوند در بحث اضطرار الی لامعین قائل به برائت نسبت به تمام اطراف شده‌اند و علم اجمالی را غیر منجز می‌دانند باید در ما نحن فیه نیز مخالفت قطعیه را روا بدانند.^۱

توضیح بیشتر:

در آینده خواهد آمد که اگر مکلفی علم اجمالی پیدا کند مثلاً یکی از پنج اناء نجس است و در عین حال مضطر به نوشیدن یکی از آنها به صورت معین باشد علم اجمالی منجز نیست و تقریباً همگان قبول دارند که مکلف می‌تواند همه‌ی اناها را مصرف کند. البته این مسئله صوری دارد و به تفصیل از آن بحث خواهد شد. اما زمانی که علم اجمالی به نجاست یکی از پنج اناء وجود دارد و اضطرار به یکی از آنها لامعیناً وجود دارد آیا در اینجا نیز علم اجمالی بی‌اثر است یا اینکه توسط در تنجیز یا بنابر قولی توسط در تکلیف است؟ یعنی مکلف به اندازه‌ی اضطرار می‌تواند از یکی از اناها استفاده کند. مثلاً مکلفی از شدت تشنگی در معرض هلاکت است و پنج اناء در مقابل او وجود دارد که علم به نجاست یکی از آنها دارد، آیا او می‌تواند از همه استفاده کند یا اینکه تنها به اندازه‌ی اضطرار می‌تواند از یکی از اناها استفاده کند و حق نوشیدن از

۱. نهاية الافکار، ج ۳، ص ۲۹۷.

سایر انهاها را ندارد؟

مرحوم آخوند در برخی نظرات خود حتی در صورت دوم یعنی اضطرار الی احد الأطراف لامعیناً قائلند برائت نسبت به همه‌ی اطراف جاری است و علم اجمالی اثری ندارد و مکلف می‌تواند همه‌ی آنها را بنوشد.

مرحوم عراقی معتقدند ما نحن فیه مانند اضطرار الی لامعین است؛ چون مکلف نمی‌تواند خالی از فعل یا ترک باشد و یکی از آنها لامعیناً مورد اضطرار است و لذا مرحوم آخوند در اینجا نیز نباید مخالفت قطعی را حرام بدانند.

نقد و بررسی اشکال محقق عراقی بر کلام آخوند رحمته الله

تشبیه ما نحن فیه به اضطرار الی احد الاطراف لامعیناً، تشبیه صحیحی نیست؛ به دلیل آنکه در اضطرار الی احد الاطراف لامعیناً هیچ‌گاه مکلف نمی‌تواند مخالفت قطعی کند. اگر پنج اداء وجود داشته باشد و مکلف مضطرب به نوشیدن یکی از آنها لامعیناً باشد، نمی‌تواند قطع به مخالفت حاصل کند، به‌خلاف دوران امر بین محذورین در ما نحن فیه که مخالفت قطعی ممکن است.

توضیح ذلک: اگر نجس واقعی همان ظرفی باشد که مکلف بدان اضطرار دارد، از باب اینکه اضطرار واقعاً رافع حکم است نه ظاهراً (همان‌گونه که در حدیث رفع بیان کردیم که نسبت به فقره‌ی «ما لایعلمون» رفع، ظاهری ولی نسبت به «ما اضطروا الیه» رفع، واقعی است) مکلف نسبت به آن ظرف هیچ تکلیفی ندارد و سایر ظرف‌ها نیز اساساً نجس نخواهند بود، لذا مکلف علم پیدا نخواهد کرد که حرامی انجام داده و مخالفت قطعی کرده است و به دلیل همین نکته است که آخوند رحمته الله معتقدند اضطرار الی لامعین موجب تنجیز علم اجمالی نیست. هر چند در این سخن آخوند، کلامی وجود دارد اما همین مقدار که با ارتکاب همه، مکلف یقین به عصیان امر مولا پیدا نمی‌کند امری روشن است، به‌خلاف ما نحن فیه و دوران امر بین محذورین که اگر زن صورت نماز را بیاورد علی‌الفرض مخالفت قطعی انجام داده است.

بیان شهید صدر رحمته الله در پاسخ به کلام محقق عراقی رحمته الله

شهید صدر رحمته الله در این مسئله پس از طرح فرمایش محقق عراقی، غیر از آنچه ذکر شد، ابتدا پاسخی را مطرح می‌کنند گرچه در نهایت از آن رفع ید می‌کنند.

شهید صدر مدّعی هستند دوران امر بین محذورین در ما نحن فیه در واقع اضطرار الی معین است، در

نتیجه احتیاط به ترک مخالفت قطعی لازم نیست.^۱ ایشان می‌فرماید: علی‌رغم نظر بدوی در مثال زنی که امر او دائر بین فعل صلاة با قصد قربت یا ترک حتی صورت نماز است، در واقع آنچه زن مذکور اضطرار به ترک امتثال آن دارد طرف فعل صلاة با قصد قربت است؛ زیرا فرض آن است که فعل صلاة امری تعبّدی است و بدون قصد قربت محقق نمی‌شود و زن در چنین شرایطی عقلاً نمی‌تواند قصد قربت کند، پس فعل صلاة مقدور او نیست، لامحاله تنها گزینه‌ی پیش روی او در برابر این دو تکلیف، امتثال طرف دیگر یعنی ترک صورت نماز بدون قصد قربت است و این طرف نیز مورد تکلیف نخواهد بود؛ چون حرمت صورت نماز با توجه به آنچه ذکر شد، مشکوک به شک بدوی و مجرای براءت است.

توضیح آنکه: قاعده‌ی کلی عقلی حکم می‌کند هر فعل یا ترکی که قربه‌الی المولی انجام می‌پذیرد باید یا غرضی از اغراض واصله‌ی مولا را محقق کند ولو وصول به احتمال باشد، یا حقی از حقوق مولا به آن تعلق گرفته باشد و مصداقی از اداء حق مولویت باشد. در مثال مذکور فعل صلاة با قصد قربت هیچ یک از دو امر فوق را نسبت به ترک همان صلاة واجد نیست؛ زیرا ممکن است وظیفه‌ی مکلف، ترک صلاة باشد؛ یعنی «فعل صلاة» نه احتمال قوی‌تری نسبت به «ترک صلاة» در استیفاء غرض مولا دارد و نه اداء حق مولویت برتری است؛ زیرا فرض آن است که دو طرف محذور احتمالاً و محتملاً هیچ یک مزیتی بر دیگری ندارد؛ چه بسا ملاک محتمل در فعل صلاة با ملاک محتمل ترک صلاة هم‌سنگ باشد. همچنین از جهت اداء حق مولویت نیز فعل صلاة تفاوتی با ترک صلاة ندارد؛ زیرا حق مولویت اقتضاء می‌کند مخالفت قطعی نسبت به تکلیف مولا صورت نگیرد و موافقت احتمالی صورت گیرد و موافقت احتمالی در فعل و ترک صلاة مساوی است، لهذا این زن نمی‌تواند فعل صلاة را قربه‌الی الله انجام دهد؛ زیرا هیچ رجحانی نسبت به ترک ندارد و در نتیجه فعل نماز مقدور مکلف نیست پس به ترک فعل صلاة قریب اضطرار دارد و تنها این احتمال بدوی باقی می‌ماند که صورت نماز حرام است یا خیر و براءت در آن جاری است.

سپس شهید صدر در دوران امر بین محذورینی که طرفین آن تعبّدی است نیز همین بیان را جاری می‌دانند.

نقد و بررسی کلام شهید صدر رحمته‌الله

بحث در دوران امر بین دو محذوری که موافقت قطعی آن ممکن نیست اما مخالفت قطعی آن ممکن است، اعم از آن است که یک طرف آن تعبّدی باشد و دیگری توصلی باشد. مثال‌هایی وجود دارد که امر

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۱۶۰.

دائر بین محذورین است و موافقت قطعیهی آن ممکن نیست اما مخالفت قطعیهی آن ممکن است.

مثال: کسی شک دارد آیا سوگند یاد کرده است که صبح جمعه در فلان مجلس مؤدباً حضور پیدا کند و یا سوگند یاد کرده است که اصلاً در فلان مجلس حاضر نشود. در این مثال، موافقت قطعیه ممکن نیست؛ زیرا اگر سوگند یاد کرده باشد که حضور مؤدبانه یابد و چنین کاری بکند، گرچه این امر را امتثال کرده است اما اگر قسم به ترک حضور خورده باشد عصیان کرده است، کما اینکه اگر ترک حضور کند موافقت احتمالیه کرده است. اما مخالفت قطعیه ممکن است یعنی حضور غیر مؤدبانه پیدا کند.

همان طور که ملاحظه می‌کنید در این مثال هیچ‌یک از دو طرف، تعبّدی به معنای خاص نیست تا نامقدور باشد. مثال به موردی که یک طرف آن تعبّدی است تنها یکی از مصادیق دوران امر بین محذورینی می‌باشد که موافقت قطعیهی آن ناممکن ولی مخالفت قطعیهی آن ممکن است و اِلّا مثال حضور در مجلس چه بسا احتمال ابتلاء بیشتری داشته باشد.

مقرر: سید حامد طاهری